یادبود

۲۸ شهریور سالروز درگذشت ابوالفضل سپهر

اتل متل یه شاعر

بهزاد سپهر در روز پانزدهم خردادماه سال ۱۳۵۲ چشم به جهان گشود. در نوجوانی در اثر سانحه‌ای سایه پدر را از دست داد و در کنار تحصیل با وجود سن کم، به کار پرداخت تا مادر را در تأمین معاش خانواده یاری رساند. بنگاه تهیه و فروش قطعات اوراقی ماشین‌های سنگین، کارگاه تزریق پلاستیک، طلاسازی، تأسیس و اداره ارزان‌فروشی خواروبار و کار در شرکت مخابرات از جمله فعالیت‌های اقتصادی او بود. در سال ۱۳۷۷ نخستین شعرش را در مدح شهدا نوشت و آن را با نام «ع، سپهر» امضا کرد. نام عبدالله را به تأسی از وجود حضرت امیرمؤمنان که نامه‌های مکتوب در نهج‌البلاغه را «عبدالله، علی بن‌ابیطالب» امضا می‌کرد، انتخاب کرد. اما دوست داشت او را ابوالفضل صدا بزنند. اشعار سوزناک او با برند «اتل متل» خیلی زود در میان مخاطبان جای گشود. سپهر سرانجام به علت بیماری کلیوی در بیمارستان سینا دار فانی را وداع گفت، پیکر پاکش را در سالروز ولادت حضرت ابوالفضل‌العباس(ع) در گلزار شهدا، قطعه ۴۴ (قطعه شهدای گمنام) به خاک سپردند تا این شاعر به آرزوی خود یعنی همجواری با شهدا نایل شود. در ادامه شعر «دارا و سارا» را از این شاعر می‌خوانیم:

هنگام جنگ دادیم صدها هزار دارا
شد کوچه‌های ایران مشکین زاشک سارا
سارا لباس پوشید، با جبهه‌ها عجین شد
در فکه و شلمچه، دارا به روی مین شد
چندین هزار دارا، بسته به سر سربند
یا تکه‌تکه گشتند یا که اسیر و دربند
سارای دیگری در مهران شده شهیده
دارا کجاست؟ او در اروند آرمیده
دوخته هزار سارا چشمی به حلقه در
از یک طرف و دیگر چشمی ز خون دل، تر
سارا سوال می‌کرد، دارا کجاست اکنون؟
دیدند شعله‌ها را در سنگرش به مجنون
خون گلوی دارا آب حیات دین است
روحش به عرش و جسمش، مفقود در زمین است
در آن زمانه رفتند صدها هزار دارا
در این زمانه کشتند ده‌ها هزار «دارا»
هنگام جنگ دارا گشته اسیر و دربند
دارای این زمان با بنزش رود به دربند
دارای آن زمانه بی‌سر درون کرخه
سارای این زمانه در کوچه با دوچرخه
در آن زمانه سارا با جبهه‌ها عجین شد
در این زمانه ناگه، چادر لباس جین شد
با چفیه‌ای که گلگون از خون صد چو داراست
سارا، خود از برای، جلب نظر بیاراست
آن مقنعه ور افتاد، جایش فوکل در آمد
سارا به قول دشمن از اُمُلی در آمد
دارا و گوشواره، حقا که شرم دارد!
در دست‌هایش امروز، او بند چرم دارد
با خون و چنگ و دندان، دشمن ز خانه راندیم
اما به ماهواره تا خانه‌اش کشاندیم
یا رب تو شاهدی بر اعمالمان یکایک
بدم المظلوم یا الله، عجل فرجه ولیک
جای شهید اسم خواننده روی دیوار
آنها به جبهه رفتند، اینها شدند طلبکار!

اخبار

آغاز فیلمبرداری «زنانی که با گرگ‌ها دویده‌اند»

فیلمبرداری فیلم سینمایی «زنانی که با گرگ‌ها دویده‌اند» به کارگردانی امیراطهر سهیلی و تهیه‌کنندگی محمدرضا شرف‌الدین آغاز شد. به گزارش تسنیم، فیلمبرداری فیلم سینمایی زنانی که با گرگ‌ها دویده‌اند از هفته جاری آغاز شد و لعیا زنگنه بازیگر اصلی فیلم جلوی دوربین رفت. لعیا زنگنه در این فیلم نقش متفاوتی را بازی می‌کند. قرار است نخستین نمایش فیلم در جشنواره فیلم فجر باشد. در خلاصه داستان فیلم آمده است: هزاران سال قبل یونس شک می‌کند، می‌لغزد و آنجا که باید داستانش در اوج تمام شود طعمه ماهی می‌شود و شکم ماهی آغاز داستان یونس می‌شود و اکنون هزاران سال بعد ژاله شک می‌کند، می‌لغزد و آنجا که باید داستانش در اوج تمام شود زنانی که با گرگ‌ها می‌دوند آغاز می‌شود.

■■■

تیزر «اخراجی‌های ۲» در تلویزیون

فصل دوم تیزرهای اقتصاد مقاومتی با عنوان «اخراجی‌ها» برای پخش تلویزیونی در ۴ قسمت توسط مدرسه سینمایی عمار تولید شد. به گزارش مهر، «ترک» به کارگردانی محمد نیکدل، «بیب» به کارگردانی مجید رستگار، «به همین سادگی» به کارگردانی علی جعفرآبادی و «صداها» به کارگردانی محمدحسین امانی ۴ تیزر سری دوم مجموعه «اخراجی‌ها» است که به تهیه‌کنندگی بسیج سازمان صداوسیما و توسط مدرسه سینمایی عمار تولید شده است.

نگاهی به رمان «خوش‌نشین» اثر علی مؤذنی

روایتی از واقعیتی به نام مسکن

سیف‌الله نجاریان: در ادوار مختلف یکی از رسالت‌هایی که برای هنر بیان کرده‌اند مردمی بودن آن بوده است. به این معنا که یک اثر هنری در فضایی انتزاعی و به عبارتی در خلأ خلق نشود و نسبتی با جامعه و روزگار خود داشته باشد. از این رو هرگاه اثری خلق شده که نسبتی با مردم همان روزگار نداشته معمولا مورد انتقاد گرفته و منتقدان و مخاطبان به آن تاخته‌اند. به این خاطر که هنر و هنرمند با موهبتی که در اختیارش است باید بازگوکننده دردهای مردم باشد و از این رهگذر صدای طبقات مختلف جامعه را به گوش دیگر افراد برساند. از این رو تعهد هنری مساله‌ای است که اغلب منتقدان و نظریه‌پردازان هنری روی آن اجماع دارند و بر آن تاکید می‌کنند. هر چند برخی هنرمندانی که خود را تافته جدابافته می‌دانند علاقه‌ای به نوشتن از مسائل زمینی ندارند و رسالت‌های خود را چیزی فراتر از موضوعات روزگار خود می‌پندارند و به همین سبب شاهدیم این گروه، اغلب آثاری خلق می‌کنند که کاملا شخصی است و کسی با آن ارتباط برقرار نمی‌کند و زمانی که اثرشان مورد نقد قرار می‌گیرد دهان به مذمت مخاطب باز می‌کنند و بعضا دیده شده عنوان کرده‌اند مخاطب فهم درک اثر ما را ندارد. از این نکته که گذر کنیم یکی دیگر از دلایلی که بر خلق نشدن اثری منفصل از شرایط روز اثر دارد «بی دردی» هنرمند و بی‌خبری او از درد مردم روزگار خود است. این مساله در تاریخ هنر سبب شده همواره آثاری وجود داشته باشد که ارتباطی ارگانیک با زمان خود ندارند و وصله ناچسبی محسوب می‌شوند. علی مؤذنی، یکی از نویسندگانی است که همواره با توجه به شرایط زمانه خود حرکت کرده است. او که آثار بسیاری را در موضوعات مختلف خلق کرده، در آثار اخیرش سراغ موضوعاتی رفته که در ساخت جامعه پیرامون او تاثیر داشته و از آنجا که نویسنده به عنوان یک هنرمند از اطراف خود متاثر است و نمی‌تواند نسبت به آنچه پیرامون خود رخ می‌دهد بی‌تفاوت باشد از این رو علی موذنی دست به نگارش آثاری زده که پیوند محکمی با جامعه روزگار خود دارد. او نتوانسته در روزگار کنونی زندگی کند و نسبت به اتفاقاتی که بر زندگی شهروندان اثر می‌گذارد بی‌تفاوت باشد. به تعبیری او درد مردم خود را لمس کرده و با اثری که خلق کرده، هم با آنها همزادپنداری کرده و هم صدای آنها را در یک اثر هنری به گوش مخاطبان اعم از خاص و عام رسانده است.

رمان «خوش‌نشین» اثر علی مؤذنی داستانی است که برای اولین مرتبه توسط انتشارات عصر داستان منتشر شد اما پس از انحلال این نشر توسط مدیرعامل جدید در دولت یازدهم امتیاز این کتاب پس از کش و قوس‌های فراوان به نشر علمی و فرهنگی واگذار شد و اکنون این کتاب با طرح جلدی جدید و متفاوت توسط این نشر در دسترس مخاطبان قرار گرفته است. در این رمان نویسنده سراغ مساله‌ای رفته که در روزگار کنونی مساله جدی اغلب خانواده‌های ایرانی بویژه جوانان است. مساله مسکن را باید از آن دست مسائلی دانست که روز به روز تبدیل به معضل جدی‌تری برای شهروندان شده و چاره‌ای از سوی مسؤولان امر برای آن اندیشیده نشده است.

در این رمان خواننده با خانواده‌ای روبه‌رو است که در خانه استیجاری زندگی می‌کنند و مادر خانم خانه یعنی «بهار» نیز با آنها زندگی می‌کند. بهار و «مهرداد» در شرف بچه‌دار شدن هستند و به نظر روزگار آرامی را سپری می‌کنند. آنها در تدارک استقبال از فرزند خود هستند که یکی از روزها همکار مهرداد که در رمان با نام «آقای عقیلی» معرفی می‌شود در محل کار شیرینی پخش می‌کند، آن هم شیرینی منزل نو. عقیلی با تعریف‌هایی که از خانه خود می‌کند و البته اعلام سختی‌هایی که در این مسیر متحمل شده مهرداد را ترغیب می‌کند که دست به خرید منزل بزند.

خریدن خانه، در وهله اول به نظر ناممکن می‌آید و از منظر منطق داستانی امری نشدنی تلقی می‌شود ولی اتفاقات طوری رقم می‌خورد که خریدن خانه برای مهرداد و بهار شدنی می‌شود اما شدنی که قرار است شخصیت اصلی قصه یعنی مهرداد دست به هرکاری بزند تا بتواند علاوه بر گذران امور زندگی هزینه‌های خرید مسکن را نیز تامین کند. از این حیث شاید باید گفت داستان در اقدامی غیرمنطقی شکل می‌گیرد و خواننده، با تردستی نویسنده باور می‌کند که مهرداد و بهار قصه «خوش‌نشین» خانه‌دار شدند.

اما نباید از این نکته غافل شد که علی مؤذنی در این رمان سراغ مساله قشر گسترده‌ای از جامعه رفته و به تعبیری داستانی نوشته که وصف حال مردم است. در این رمان خواننده با مصائب خانه‌دار شدن روبه‌رو می‌شود و می‌بیند که اگر یک جوان بخواهد در شرایط کنونی خانه‌دار شود باید از سد چه مشکلاتی گذر کند. این تازه خان اول است و مرحله بعد خانه‌دار شدن دست و پنجه نرم کردن با بدهکاری‌ها و پس از آن نیز روبه‌رو شدن با همسایه‌هایی است که باید تا مدت‌ها با آنها سر و کله زد، زیرا در زمان مستاجری سال به سال همسایه‌ها عوض می‌شوند و فرد مستاجر درگیری جدی با این مساله ندارد ولی وقتی مالک شد دیگر مساله فرق می‌کند و باید با آنها از در تعامل و سازش وارد شود، زیرا نمی‌تواند بگوید «به من چه» و باید برای محیطی که قرار است آنجا زندگی کند با یکدیگر تلاش کنند تا شرایط یک زندگی آرام را فراهم کنند و این مساله مهمی است. از این حیث به نظر می‌رسد علی مؤذنی بخوبی در بطن اتفاقات قرار گرفته و آنها را لمس کرده و خواننده را در موقعیتی قرار می‌دهد که باورپذیر است. این نشان می‌دهد نویسنده درد مردم داشته و نتوانسته از کنار آن عبور کند. شاید اینطور برداشت شود که پرداختن به مسائل روزمره زندگی مردم کلیشه شده در صورتی که این تلقی‌ای است که از سوی برخی شبه‌روشنفکران رواج داده شده و برای اینکه توجیهی برای آثار انتزاعی خود دست و پا کنند، آثاری را که از دردها، رنج‌ها و مشکلات مردم سخن می‌گویند، کلیشه‌ای می‌خوانند و با این واژه، نویسنده‌های جوان را از رفتن به سوی چنین سوژه‌هایی نهی می‌کنند.

از این منظر رمان «خوش‌نشین» را باید اثری کامل درباره معضلات شهرنشینی دانست. مشکلاتی مانند حقوق همسایه‌ها، دردسرهای آپارتمان‌نشینی، سختی‌های زندگی کارمندی، دردسرهای سر و کله زدن با بانک‌ها و... همه در این رمان از چشم نویسنده دور نمانده و به آنها پرداخته است و حتی برای برخی از آنها پیشنهاداتی نیز از زبان شخصیت‌ها ارائه کرده است. از این منظر که مؤذنی در جایگاه یک هنرمند برای معضلات اجتماعی پیرامون خود پیشنهاد ارائه کرده یعنی او هنرمندی است که اهل نق زدن نیست و درصدد اصلاح امور است و نمی‌خواهد تنها سیاهنمایی کند و دست به تخریب بزند. هرچند ممکن است این رمان تلخی‌هایی داشته باشد که این مساله از ویژگی‌های آثار واقع‌گراست، زیرا در آن واقعیتی را نشان داده که بسیاری از مردم پیوسته با آنها دست‌و پنجه نرم می‌کنند.

نکته دیگر درباره این رمان این است که در این اثر علاوه بر مصائب خانه‌دار شدن به مساله ارتباط فرزندان و والدین و اهمیت گذشت نیز توجه شده است که این مساله وجه با اهمیتی در این اثر است.

درباره رمان «خوش‌نشین» باید گفت یکی از مشکلات اساسی آن نبود خداست. به این عبارت که در این رمان خواننده حس می‌کند خدا غایب بزرگی است در صورتی که در آموزه‌های دینی بر یاری جستن از خداوند در امور زندگی بسیار تاکید شده است. در این رمان به نظر می‌رسد قرار است تمام مشکلات توسط مهرداد با وام‌های بانکی، فروش اثاث خانه و اقداماتی از این طریق تامین شود و نمی‌بینیم که شخصیت اصلی یا دیگر اشخاص فرعی قصه، توصیه‌ای به اینکه «خدا بزرگ است»، «توکل به خدا باید کرد»، «خدا گشاینده امور است»و... کنند. «خوش‌نشین» این تداعی را ایجاد می‌کند که اگر اتفاقی هم در زندگی شخصیت‌های قصه رخ می‌دهد حاصل تلاش خودشان است و نیروی ماورایی در رویدادهای قصه نقشی ندارد.

رمان «خوش‌نشین» علی مؤذنی را باید اثری دانست که در آن خواننده با واقعیتی از این روزهای جامعه ایران روبه‌رو می‌شود و تصویری از واقعیت مردم را به نظاره می‌نشیند. این رمان را انتشارات علمی و فرهنگی روانه بازار کتاب کرده است.

یادنامه

به‌بهانه پاسداشت استاد مسعود نجابتی

نهضت نجابتی

مسعود شجاعی طباطبایی: برای من مایه افتخار است درباره هنرمندی صحبت کنم که در حال حاضر یکی از بهترین‌های حوزه گرافیک مذهبی است. ایشان در حوزه تایپوگرافی و خوشنویسی از اساتید برجسته این مرزوبوم است. تصویر دقیقی از نخستین مواجهه‌ام با استاد را به یاد ندارم اما به نظرم سال ۷۵-۷۴ در دانشگاه تربیت مدرس بود که برای تدریس بحثی تحت عنوان پوستر خدمت‌شان بودم. این‌قدر متواضع بودند که من خیلی تصویر دقیقی از ایشان به یاد ندارم. داوری‌های رویدادهای مختلف در حوزه تجسمی، مسابقه پوستر و عکس هیات مذهبی از اتفاقاتی بود که ما کنار یکدیگر قرار گرفتیم. برای من نگاه و نوع رفتار ایشان بسیار جذاب و قابل‌توجه است. ایشان به معنای واقعی کلمه انسانی خوب، متواضع، دوست‌داشتنی، توانمند و پرکار هستند. به اعتقاد من، ایشان از کسانی است که طی یک دهه اخیر توانسته بسیار جریان‌ساز باشد. وی توانسته تعداد زیادی هنرجو و هنرمندان مسلمان و توانمند در عرصه هنرهای ارزشی و مذهبی تربیت کند. ایشان در آخرین صحبتی که در اختتامیه پنجمین جشنواره هیات مذهبی داشتند گفتند: «آرزویم این است که بتوانم یک نهضت در این عرصه ایجاد کنم.» به نظر من، این نهضت ایجاد شده است، یعنی آقای نجابتی با مهربانی و توانمندی‌ای که در عرصه‌های مختلف داشتند هنرمندان بسیاری را توانستند جذب کنند. ما شاهد رشد و افزایش چشمگیر تربیت هنرمندانی توانمند در عرصه گرافیک مذهبی هستیم. استاد این هنرمندان عمدتاً آقای نجابتی بودند. استاد نجابتی فعالیت سختکوشانه‌ای در عرصه گرافیک مذهبی دارند. ایشان برای کشف استعدادهای مختلف از سراسر ایران به نقاط زیادی سفر و استعدادیابی کردند. نتیجه این استعدادیابی، تربیت هنرمندان بسیار توانمندی است که در حال حاضر فعال هستند. بسیاری از اقداماتی که هنرمندان در شهرهای مختلف از جمله اصفهان، قم و مشهد در حوزه طراحی و گرافیک انجام می‌دهند قطعاً بخشی از آن به دلیل کارگاه‌های آموزشی است که ایشان برگزار کردند. توانمندی ایشان در خوشنویسی مثال‌زدنی است. در ایشان بسیار سریع پیوند خوشنویسی و گرافیک را دیدیم. موزه‌ای با عنوان «موزه ملیت‌ها» در جایی که جنگ ۳۳ روزه رخ داده است، وجود دارد. همه اتفاقات موزه از جهت گرافیکی حاصل زحمات مسعود نجابتی است؛ از لوگو و آرم خود موزه و نشانه‌های گرافیکی که در همه جای موزه مشاهده می‌کنیم. واقعاً باعث افتخار است که هنرمندی از ایران به لبنان رفته و این‌قدر تأثیرگذار بوده که اتفاقات بزرگی نظیر این نمایشگاه را به ایشان سپرده‌اند. ایشان به‌واسطه کلاس‌هایی که داشته در لبنان هنرمندانی را شناسایی کرده است. آنها در حال حاضر بسیار توانمند هستند و کارهای بزرگی را انجام می‌دهند که نشان‌دهنده توانمندی آقای نجابتی است. بسیار متواضعانه در ارتباط با اتفاقاتی مثل قضاوت و داوری حضور دارند. من باخبر هستم در بعضی از مسابقاتی که ایشان حضور داشتند برابر برخی اتفاقات بشدت ایستادگی کردند. ایشان قرار بود برای مجموعه‌ای پوستری را داوری کنند. محتوای این پوستر موضوعش درواقع دوستی و محبت با رژیم صهیونیستی بود. ایشان هم تهدید کرده بود که اگر این پوستر را انتخاب کنند، علاوه بر انصراف خود، این موضوع را رسانه‌ای هم خواهد کرد. این موضع ایشان باعث شده بود که بقیه متقاعد شوند این اتفاق نیفتد و پوستر هم حذف شد. بابت برگزاری برنامه بزرگداشت برای استاد نجابتی هم تشکر می‌کنم چون واقعاً عزیزان و اساتیدی مانند ایشان باید دیده و معرفی شوند. جامعه هنری ما باید با ویژگی‌های این اساتید آشنا شوند. جامعه حاضر و جامعه فعلی هنری ما متأسفانه در قالب فضاها رویکرد روشنفکرمآبانه دارد و گاها افرادی متعهد مثل نجابتی، نادیده انگاشته می‌شوند.

***

گفتنی است مسعود شجاعی‌طباطبایی کاریکاتوریست و گرافیست، فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد گرافیک از دانشگاه تربیت مدرس است. وی هم‌اکنون مدیر خانه کاریکاتور و مدیر مرکز هنرهای تجسمی حوزه هنری است. امضای شجاعی طباطبایی معتبرترین امضای کاریکاتور ایرانی است. او داوری جشنواره‌های متعدد کاریکاتور را بر عهده داشته و ارتباط فراوانی با هنرمندان در سطح بین‌الملل برقرار کرده است. گفتنی است، پنجمین برنامه اوج هنر، پاسداشت هنرمندان انقلاب اسلامی، به بهانه تجلیل از خدمات ارزنده استاد مسعود نجابتی به گرافیک ایران، سه‌شنبه ۲۸ شهریورماه، ساعت ۱۶ در نخلستان سازمان هنری - رسانه‌ای اوج برگزار می‌شود.

نگاهی به مجموعه شعر «به‌درک عشق رسیدن»

عاشقانه‌های یک سیمین‌دخت انقلابی

سورنا جوکار: نمی‌دانم چند سال است یا چطور و توسط چه کسی به من هدیه داده شده اما مجموعه شعر «به درک عشق رسیدن» یکی از قدیمی‌ترین کتاب‌هایی است که در کتابخانه‌ام دارم. بی‌آنکه دلیل موجهی داشته باشم، حتی یک بار هم تلاشی برای خواندن آن نکرده‌ام. پس طبیعی است وقتی کتاب را ورق می‌زنم هنوز بوی تندی و تازگی کاغذ، مشامم را نوازش دهد اما از خودم می‌پرسم مگر بیشتر مجموعه شعرهای دیگری که مطالعه کرده‌ای چه ویژگی‌ای داشته‌اند که زودتر نظرت را جلب کرده‌اند؟ کتاب را ورق می‌زنم و با هر بیت و غزلی تعجب می‌کنم که چرا تا به حال از خواندن شعرهای خانم «سیمین‌دخت وحیدی» غافل بوده‌ام. شعرهایی که از تمام جهات بسیار بهتر از بسیاری از شعرهایی است که امروز به گوش‌مان می‌رسد یا در جلسات از سر تعارف مجبوریم از آنها تعریف کنیم تا مبادا به گوشه قبای شاعری که احتمالاً استاد هم هست بربخورد. حقیقتش را بخواهید ما نسل جوان در اغلب موارد نمی‌دانیم در چه خاکی ریشه دوانده‌ایم و پیش از پیر شدن، فراموشی گرفته‌ایم. بویژه که گمان می‌کنیم احتمالا ادبیات با ما آغاز شده است. برای هر دسته‌ای از شاعران هم برچسبی درست کرده‌ایم که اگر عنوان آن مطابق میل‌مان نباشد حتی شانس یک بار خواندن آثار آن شاعر را به خودمان نمی‌دهیم. به نظر می‌رسد برچسبی که مانع خوانده شدن شعرهای خانم وحیدی بین نسل جوان شده، عنوان «شعر انقلاب» است زیرا به لطف پیشرفت‌ها و مطالعه ادبیات غرب و آشنایی با شاعران فرنگی، به جامه روشنفکری ملبس شده‌ایم و خواندن اشعار بنیانگذاران شعر انقلاب که عموما به نظرمان شعارزده هستند و فقط از شهادت، انقلاب و جبهه صحبت می‌کنند، چیزی جز وقت تلف کردن نخواهد بود. به همین سادگی است که از کنار گنجینه‌ای گرانبها عبور می‌کنیم، بی‌آنکه بدانیم شاعران انقلاب نیز عاشق می‌شوند، مورد خطاب قرار می‌دهند و مورد عتاب قرار می‌گیرند، پس شعر عاشقانه می‌نویسند. شاعران انقلاب هم طعم سختی‌ها و فقر را می‌چشند و گلایه می‌کنند، پس شعر اجتماعی می‌نویسند.

حالا تنها می‌توانم بگویم مهجور ماندن شعرهای سیمین‌دخت وحیدی در دوران ما، اجر انقلابی ماندن و تعهد او به مکتبی است که به آن اعتقاد دارد و محروم ماندن امثال بنده از مطالعه اشعار ایشان هم بی‌تردید جوابی ندارد جز آنکه «به درک عشق رسیدن همیشه مشکل بود».

اگر بهار نبودم تو گل نمی‌کردی
بدین قرار نبودم، تو گل نمی‌کردی
تو کوهساری و من در بلوغ چشمانت
گر آبشار نبودم تو گل نمی‌کردی
در این فضای مه‌آلود و سبز با دل تو
اگر که یار نبودم تو گل نمی‌کردی
به زیر شعله این آفتاب طاقت‌سوز
اگر غبار نبودم تو گل نمی‌کردی
در آسمان تو هر شب نبود ماه اگر
ستاره‌وار نبودم، تو گل نمی‌کردی
تو خشک بودی و من شاعری قریب، و من
در انتظار نبودم تو گل نمی‌کردی

رویدادها

نامه رئیس فرهنگستان هنر به‌رؤسای ۳ قوه

رئیس فرهنگستان هنر نامه‌ای را به سران ۳ قوه و وزرای کشور، ارشاد و اطلاعات نوشت. به گزارش فارس، محمدعلی معلم‌دامغانی در نامه‌های جداگانه‌ای به دکتر حسن‌روحانی رئیس‌جمهور، آیت‌الله آملی‌لاریجانی رئیس قوه‌قضائیه، دکتر علی لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی، دکترعبدالرضا رحمانی‌فضلی وزیر کشور، دکتر سیدعباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، حجت‌الاسلام والمسلمین آقای سیدمحمود علوی وزیر اطلاعات و سردار حسین اشتری فرمانده محترم نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران درباره گنجینه بانک پاسارگاد نوشت: با سلام و احترام بدینوسیله شکواییه فرهنگستان هنر را به همراه مدارک بی‌امضا و امضا شده اشخاص غیرمسؤول (مجید صرفی) و حکم اجرای غیرقانونی به نفع مدعی متهم کلاهبردار مالخر(امین تفرشی) بدون تشکیل دادگاه صاحب صلاحیت (در مورد پانصد اثر هنری مضبوط در فرهنگستان) و پانوشت سرهنگ بی‌خبر از قانون و فرستادن پلیس به همراه عده‌ای اوباش و لات مزدور و شکستن حرمت دولت و حکومت تقدیم داشته، متذکر می‌شوم که مطامع جوقی بی‌وطن ضدجمهوری اسلامی که با این اعمال درصدد اثبات عدم اقتدار قوه حاکمه و انعکاس آن به خارج از کشورند و این سزاوار نیست. چرا زقافله یک کَس نمی‌شودبیدار؟!

■■■

«دستخط» ویژه هفته دفاع‌مقدس

برنامه «دستخط» در هفته دفاع‌مقدس میزبان فرماندهان ارشد دفاع‌مقدس می‌شود. به گزارش فارس، این ویژه‌برنامه از پنجشنبه ۳۰ شهریور، هر شب ساعت ۲۱:۳۰ از شبکه ۵ سیما با اجرای محمدحسین رنجبران روی آنتن شبکه ۵ سیما می‌رود. سردار سرلشکر عزیز جعفری، امیر سرلشکر حسنی سعدی، امیر سرتیپ پوردستان، سردار سرتیپ نجات، دریادار حبیب‌الله سیاری، سردار سرتیپ دهقان و سردار سرتیپ کوثری میهمانان ویژه برنامه دستخط خواهند بود و مخاطبان در این برنامه شاهد گفت‌وگویی متفاوت و جذاب پیرامون جنگ تحمیلی خواهند بود. ویژه‌برنامه «دستخط» ۳۰ شهریورماه ساعت ۲۱:۳۰ از شبکه ۵ پخش خواهد شد و تکرار آن روز بعد ساعت ۱۵ خواهد بود.

■■■

آلبوم «سربلندان» منتشر شد

آلبوم موسیقی «سربلندان» که از تولیدات فاخر مرکز موسیقی حوزه هنری به شمار می‌رود با آهنگسازی محسن جلیلی و براساس اشعاری از حافظ، مولوی، فاضل نظری، سیدعلی موسوی‌گرمارودی، عمران صلاحی، قادر طهماسبی (فرید)، سعید بیابانکی، علیرضا قزوه و حبیب‌الله چایچیان (حسان) ساخته شده است که همزمان با شروع ماه محرم در حوزه هنری رونمایی می‌شود. به گزارش مهر، علی‌اصغر شاه‌زیدی، قاسم رفعتی، محمد معتمدی، حسین علیشاپور، بامداد فلاحتی، اشکان کمانگری و سروش بخشش از جمله خوانندگان حاضر در این آلبوم موسیقی هستند. آلبوم «سربلندان» از تولیدات فاخر مرکز موسیقی حوزه هنری با آهنگسازی محسن جلیلی و جمعی از خوانندگان مطرح کشور همزمان با شروع ماه محرم با حضور هنرمندان و اهالی موسیقی طی مراسمی رونمایی و منتشر می‌شود.

■■■

«چاووشی»، خواننده تیتراژ هاتف

محسن چاووشی تیتراژ سریال تلویزیونی «هاتف» به کارگردانی داریوش یاری را می‌خواند. به گزارش میزان، نعمت چگینی تهیه‌کننده سریال «هاتف» درباره نهایی شدن خواننده این سریال گفت: درباره خواننده تیتراژ سریال «هاتف» پیش از این با محسن چاووشی مذاکراتی داشتیم که خوشبختانه نهایی شد و قرار است تیتراژ این سریال توسط وی خوانده شود. چگینی خاطرنشان کرد: این نخستین باری است که محسن چاووشی تیتراژ یک سریال تلویزیونی را می‌خواند و این همکاری با سریال «هاتف» آغاز خواهد شد. در خلاصه داستان «هاتف» آمده است: روز عاشورا، ابراهیم در کربلا بر اثر حمله قلبی می‌میرد. دخترش ریحانه پیگیر آخرین گفته ناتمام پدر می‌شود. این پیگیری ریحانه را رو در روی خانواده و زندگی زناشویی‌اش قرار می‌دهد اما ریحانه اعتقاد دارد عدالت نمی‌تواند پشت در خانه آدم جا بماند. او پرده از ابهام وصیت پدر برمی‌دارد و در این روند شخصیت و ایمان خود را بازسازی کرده و به دست می‌آورد.